

ارزیابی وضعیت گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان تهران

محمد رضا نادرپور^۱، محمود محمودی^۲، یدالله علیزاده^۳، سیدجعفر موسوی^۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: گفتمان به یک مفهوم و یک معرفت همه گیر در برهه‌ای از زمان در یک جامعه اطلاق می‌شود و گفتمان‌سازی براساس تعریف گفتمان به فرایند همه گیرسازی این معرفت اشاره دارد. پژوهش حاضر با هدف کلی بررسی وضعیت گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان تهرانی انجام شد.

روش: چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای نظریه «لاکلا» و «موفه» است. روش انجام این پژوهش از نوع ترکیبی شامل مطالعه مبتنی بر شواهد و مطالعه کمی مبتنی بر پیمایش و ابزار مورد استفاده آن، پرسشنامه است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شهروندان ساکن در مناطق ۲۲ گانه تهران هستند. حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، ۱۲۰۰ نفر در نظر گرفته شد و روش نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری متناسب با حجم است.

یافته‌ها و نتایج: نتایج این پژوهش نشان داد که مهمترین گام‌های گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی از نظر شهروندان به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: تبیین مفاهیم و مبانی پایه؛ بازتولید امنیت؛ بازتولید مفاهیم متناسب با نیازهای روز؛ عمومی و فراگیر کردن گفتمان؛ بهره‌برداری از توان نخبگان نظامی و دانشگاهی در حوزه فعالیت‌های نیروی انتظامی و نهادسازی و ساختارسازی. همچنین نتایج نشان داد که میزان آشنایی شهروندان با ساختارهای نیروی انتظامی در مواردی، کمتر از متوسط است و لازم است از طریق اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی، زمینه افزایش دانش مردمی از این ساختارها فراهم شود تا مشارکت مردم به‌واسطه آشنایی بیشتر با این ساختارها افزایش یابد.

کلیدواژه‌ها

گفتمان‌سازی، مشارکت مردم، ساختارسازی، تبیین مفاهیم، بازتولید امنیت اجتماعی

۱. استادیار علوم اجتماعی دانشگاه علوم نظامی امین. رایانامه: naderpour@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی. مدرس دانشگاه علوم نظامی امین. (نویسنده مسئول). رایانامه:

m.mahmodi2019@gmail.com

۳. کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی

۴. کارشناس ارشد فرماندهی و مدیریت، مدرس دانشگاه علوم نظامی امین

مقدمه

زبان و ایده‌های طرح شده از طریق آن، چه آگاه باشیم و چه ناآگاه، بیانگر زمینه اجتماعی است که در آن پرورش یافته‌ایم و گویای انگیزه‌ها، اندیشه‌ها، منافع و اهدافی است که گوینده از طریق زبان درصدد بیان و دستیابی به آنها از طریق اثرگذاری بر مخاطب و همراه کردن وی با خود است. بنابراین، از طریق واکاوی زبان قادر خواهیم بود تا به دنیای پنهان در پس آن دست یابیم و آن انگیزه‌ها، اندیشه‌ها و منافع را برملا سازیم تا از این رهگذر آگاهانه‌تر به تعاملات اجتماعی پردازیم و حتی درصدد پاسخگویی به چرایی وقوع رخدادها برآییم. دستیابی به جهان پنهان در پس زبان می‌تواند از انگیزه‌های گوناگونی برخاسته باشد. می‌تواند برای پاسخگویی به یک کنجکاوی ساده یا کمک به مردمان برای افزایش آگاهی‌هایشان باشد. در این میان، سیاستمداران بیشترین نفع را از پنهان نگاه داشتن دنیای پشت زبان خویش می‌برند و مردمان نیز می‌توانند بیشترین بهره را با آگاهی یافتن از این دنیای پنهان در پس زبان سیاستمداران از آن خود کنند (جهانگیری و فتاحی، ۱۳۹۰، ص ۲۳).

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی نیز با توجه به این مهم، برای انجام ماموریت‌ها و فعالیت‌های پیش رو نیازمند گفتمان‌سازی در حوزه امنیت اجتماعی است و تلاش دارد تا از طریق درگیر کردن مردم در فرایند امور انتظامی و امنیتی، حس مسئولیت آنان را در قبال امنیت اجتماعی افزایش دهد و از این طریق آنان را به مشارکت بیشتر ترغیب کند. به عبارت دیگر، تا زمانی که امنیت برای مردم به یک دغدغه ذهنی تبدیل نشود و آنان در امور روزمره خود به این مقوله فکر نکنند، نمی‌توان انتظار داشت که مردم در فعالیت‌های نیروی انتظامی مشارکت داشته باشند و بار وظایف نیروی انتظامی را کم کنند. به همین دلیل، یکی از مهمترین برنامه‌های مد نظر نیروی انتظامی، تاکید بر گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی است تا به روش نرم و هنجاری بتواند مردم را به

مشارکت بیشتر دعوت کند و از سوی دیگر، امنیت اجتماعی را بهبود بخشد. گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی، به معنای «تبدیل شدن» آن به روح کلی اقشار مختلف جامعه و تبلور آن در شیوه زندگی، زیرساخت‌های اجتماعی و جریان یافتن آن در سراسر مویرگ‌های حیات اجتماعی است. در حال حاضر مهمترین وظیفه پلیس (نیروی انتظامی)، حفظ نظم و امنیت عمومی و ارتقاء احساس امنیت هموطنان و ایجاد شرایط مناسب برای انجام فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به‌عنوان بستر توسعه است. نیروی انتظامی همپای تغییرات به وجود آمده در اجتماع، رویکردهای خود را نسبت به مقوله جرم و امنیت تغییر داده و متناسب با این تغییر، سهم شهروندان در کنترل و پیشگیری از جرایم تغییر خواهد کرد و مشارکت بیشتری را از جانب آنان می‌طلبد که این رویکرد در قالب، گفتمان جدید امنیت اجتماعی مطرح می‌شود.

اصول جامعه محوری پلیس و تکیه بر نیروهای مردمی، بهره‌گیری از مشارکت عمومی در برقراری نظم و امنیت اجتماعی، ارائه آموزش همگانی به مردم و اطلاع‌رسانی مستمر و...، موجب شده است نیروی انتظامی ساختار جدیدی را طراحی و پلیس‌های تخصصی را به تدریج ساماندهی کند که نشان‌دهنده تغییر رویکردهای پلیسی و واردشدن به فضای جدیدی است که این فضا باید با کمک گفتمان‌سازی، به نگرش مسلط در فضای اجتماعی تبدیل شود تا از جانب عموم مردم پذیرش داشته باشد و بتواند پلیس را در دستیابی به اهداف خود موفق‌تر کند. به همین دلیل، یکی از راه‌های عملیاتی کردن این مهم، رجوع به نظرات مردمی و سنجش این نظرات به‌منظور برنامه‌ریزی پایه‌ای و کاربست نگاه از پایین به بالا در زمینه مسایل امنیتی است. براساس مطالبی که مطرح شد پرسش اصلی پژوهش به این صورت مطرح می‌شود: «از دیدگاه شهروندان تهرانی،

وضعیت گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی در جامعه چگونه ارزیابی می‌شود؟»

پیگیری امنیت اجتماعی با روش‌های سخت و دستوری، منجر به تحمیل هزینه‌های سنگینی برای نظام اجتماعی خواهد شد و دامنه تاثیر این روش‌ها تا زمانی خواهد بود

که کنترل و نظارت سنگینی در جامعه جریان داشته باشد. به همین دلیل، اندیشمندان به روش‌های نرم و هنجاری توجه نشان دادند و مزیت این روش‌ها را درگیر ساختن مردم در فرایند تولید و بازتولید امنیت اجتماعی می‌دانند که منجر به افزایش مشارکت اجتماعی نیز می‌شود.

توجه به گفتمان‌سازی از دیدگاه شهروندان می‌تواند دامنه نفوذ مباحث گفتمانی را در سطح جامعه مورد سنجش قرار دهد و به شناخت نقاط ضعف و قوت این عملکرد کمک نماید تا در نهایت با برنامه‌ریزی صحیح، زمینه تقویت گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی فراهم شود. از سوی دیگر، بدون در نظر گرفتن دیدگاه‌های مردمی در مباحث مربوط به گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی، بخش مهمی از واقعیت اجتماعی نادیده گرفته خواهد شد که می‌تواند به مشارکت اجتماعی و مردمی ضربه وارد کند. قدر مسلم، اهمیت مسئله امنیت اجتماعی در زندگی اجتماعی انسان‌ها، به اندازه‌ای است که در صورت فقدان آن، انسان‌ها در روابط اجتماعی خود با دیگران دچار شک و تردید می‌شوند و از برقراری روابط اجتماعی با دیگران پرهیز می‌کنند. این رفتارها در شرایطی تشدید می‌شود که بر اثر افزایش جرم و جنایت، افراد توان پیش‌بینی رفتارهای دیگران را از دست بدهند و بدین وسیله نمی‌توانند از نتیجه کنش دیگران اطمینان حاصل کنند. به همین دلیل و بخاطر پیش‌بینی نکردن رفتار دیگران، سعی اصلی آنها بر این است که از برقراری روابط گسترده با دیگران پرهیز کنند. بر اثر تداوم چنین شرایطی، سرمایه اجتماعی در جامعه رو به زوال می‌رود و در درازمدت، پیامدهای منفی بی‌شماری بر جامعه انسانی تحمیل می‌کند که از جمله آنها، فرسایش روابط اجتماعی بین انسان‌ها است. به همین دلیل لازم است که به مسئله گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان توجه شود و با شناخت دیدگاه‌های آنها، زمینه تعامل و ارتباط جدید بین مدیران ارشد نیروی انتظامی و مردم فراهم شود.

مبانی نظری

گفتمان: «گفتمان» از جمله مفاهیم مهم و کلیدی است، که در شکل دادن به تفکر فلسفی اجتماعی و سیاسی مغرب زمین نیمه دوم قرن بیستم، نقش بسزایی داشته است (سلیمی، ۱۳۸۳، ص ۵۰). از جمله معادل‌هایی که برای این مفهوم در زبان فارسی بکار برده شده است می‌توان از گفتار، سخن، وعظ و خطابه، درس و بحث، مقال و گفتمان نام برد (عضدانلو، ۱۳۸۰، ص ۱۳). اما واژه گفتمان را برای اولین بار، داریوش آشوری در یکی از مقاله‌های خود، با عنوان «نظریه غرب‌زدگی و بحران تفکر در ایران» بکار برد (آشوری، ۱۳۶۸، ص ۴۵۴). این واژه، به‌عنوان معادلی برای واژه انگلیسی دیسکورس^۱ پیشنهاد و در اندک زمانی استفاده از آن رایج شد (آشوری، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲).

گفتمان نظام معنایی است که ارائه‌دهنده تصویری از جهان است. در هر گفتمانی این تصور واقعی تلقی می‌شود. به عبارت دیگر بازنمایی هر گفتمانی از جهان، یک واقعیت عینی تلقی می‌شود. جدال گفتمان‌ها بر سر تثبیت معنای مورد نظر خویش شکل دهنده مفهوم قدرت است (حسینی میلانی، ۱۳۸۲، ص ۶۹). از نظر تاجیک، گفتمان سازنده معنا و ارتباطات اجتماعی و انسانی است و هر فعالیتی در قالب تعاملات فرهنگی که به تبادل معنا بیانجامد، نوعی گفتمان است (تاجیک، ۱۳۷۹، ص ۶۹). از نظر «گی»^۲، گفتمان متضمن چیزی بیش از زبان است. گفتمان‌ها همواره متضمن هماهنگ کردن زبان با شیوه عمل، تعامل، ارزش‌گذاری، باور داشتن، احساس بدن‌ها، لباس‌ها، نمادهای غیر زبانی، اشیاء، ابزار، فناوری‌ها، زمان و مکان است (گی، ۱۹۹۹، ص ۲۰). از دیدگاه کودون^۳، گفتمان در وسیع‌ترین و غیرفنی‌ترین مفهوم، فقط به معنی کلام یا محاوره است. به لحاظ معنایی نیز می‌توان گفت که گفتمان واژه‌ای است که در گذشته و حال

1 Discourse

2 Gee

3 Cuddon

به مباحث و نقد و نظرهای عالمانه‌ای اطلاق می‌شد که در زمینه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی صورت می‌گرفت (کودون، ۱۹۷۹، ص ۱۹۴).

مفهوم گفتمان تاکید بر فرایندهایی اجتماعی دارد که مولد معناست. از درون گفتمان‌های متفاوت، جهان‌های متفاوت درک می‌شود (عضدانلو، ۱۳۸۰، ص ۱۷).

یکی از مفیدترین شیوه‌های تامل در باب گفتمان این است که آن را نه تنها به مثابه مجموعه‌ای از نشانه‌ها یا نظمی از متن بلکه رویه‌هایی^۱ بدانیم که به گونه‌ای نظام‌مند (سیستماتیک) موضوعاتی را که درباره آنها سخن می‌گویند، شکل می‌دهند. به این اعتبار، گفتمان چیزی است که چیز دیگری (پاره گفتار، مفهوم) را تولید می‌کند و نه چیزی که در خود و برای خود وجود دارد و به صورتی جداگانه می‌توان آنرا تحلیل کرد. درخصوص تلقی گفتمان به مثابه چیزی اثرگذار، مهم این است که عوامل حقیقت، قدرت، دانش را در نظر داشته باشیم؛ چون به دلیل همین عناصر است که گفتمان واجد تاثیر می‌شود (میلز^۲، ۱۳۸۲، ص ۲۷).

چارچوب نظری: چارچوب نظری پژوهش حاضر، براساس نظریه گفتمان «لاکلا» و «موفه» است که به طور خلاصه به این نظریه پرداخته می‌شود. «لاکلا» و «موفه» در حوزه فلسفه سیاسی، مفهوم «فوکو» را با دیدگاه‌های دیگران در آمیختند و نظریه گفتمان خود را شکل دادند. آنها با تلفیق دیدگاه‌های مختلف نظریه پسا ساخت‌گرایانه‌ای ارائه دادند که براساس آن همه پدیده‌های اجتماعی تحت تاثیر فرایندهای گفتمانی شکل می‌گیرند (سلطانی، ۱۳۸۴، ص ۲۶). آنچه تحلیل گفتمان «لاکلا» و «موفه» را از سایر نظریه‌های گفتمانی متمایز می‌کند، تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه به حوزه جامعه و سیاست است.

این نظریه بر آن است تا از همه امور اجتماعی برداشتی گفتمانی ارائه دهد، فعالیت‌ها و پدیده‌ها وقتی قابل فهم می‌شوند که در کنار مجموعه‌ای از عوامل دیگر در قالب گفتمانی خاص قرار گیرند. هیچ چیزی به خودی خود دارای هویت نیست، بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرار گرفته است کسب می‌کند (سلطانی، ۱۳۸۴، ص ۷۲). گفتمان از نظر آنها حوزه‌ای است که مجموعه‌ای از نشانه‌ها در آن به صورت شبکه‌ای در می‌آیند و معنایشان در آن جا تثبیت می‌شود. معنای این نشانه‌ها به علت تفاوتشان با یکدیگر تثبیت می‌شود. در نظر آنها خلق معنا به مثابه یک فرایند اجتماعی شامل عمل تثبیت معناست. ما به طور مداوم از طریق قرار دادن نشانه‌ها در شبکه روابط نشانه‌های دیگر، تلاش می‌کنیم تا معنایشان را تثبیت کنیم (سلطانی، ۱۳۸۴، ص ۷۵).

مفهوم مفصل‌بندی نقش مهمی در نظریه گفتمان دارد. عناصر متفاوتی که جدا از هم شاید بی‌مفهوم باشند، وقتی در کنار هم در قالب یک گفتمان گرد می‌آیند، هویت نوینی را کسب می‌کنند. «لاکلا» و «موفه» برای ربط دادن و جوش دادن این عناصر به همدیگر از مفهوم مفصل‌بندی سود می‌جویند، به عبارت دیگر مفصل‌بندی به گردآوری عناصر مختلف و ترکیب آنها در هویتی نو می‌پردازد (سلطانی، ۱۳۸۴، ص ۷۳)؛ زمانی که میان عناصر پراکنده ارتباط برقرار شود به نحوی که هویت و معنای این عناصر هر دو در نتیجه این عمل، اصلاح شده و تعدیل شوند، مفصل‌بندی انجام شده است (تاجیک، ۱۳۷۸، ص ۱۴۶).

غیریت‌سازی اجتماعی^۱، برجسته‌سازی^۲، حاشیه‌رانی^۳ و هژمونی از اصطلاح‌هایی هستند که «لاکلا» و «موفه» در نظریه خود استفاده کرده‌اند. در غیریت‌سازی اجتماعی هر گفتمانی ضرورتاً نیاز به گفتمان رقیب دیگری دارد تا به واسطه آن هویت یابد. هیچ

1 social antagonism

2 foregrounding

3 Back grounding

جامعه یکدستی را نمی‌توان تصور کرد که در آن فقط یک گفتمان و یا به عبارت دیگر تنها یک نوع جهان بینی و طرز تفکر حاکم باشد. هر گفتمانی به‌منظور هویت یافتن به ناچار شروع به تولید دشمن برای خود می‌کند. به این ترتیب کلیه نهادهایی هم وابسته به یک گفتمان‌اند به واسطه همان غیرها هویت می‌یابند. این غیریت‌سازی‌های گفتمانی، در کردار نهادهایی مانند رسانه‌های جمعی، رادیو، تلویزیون و مطبوعات به‌خوبی نمایان می‌شود. براساس همین ذهنیت دوگانه، کلیه رفتارها و کردار سوژه‌ها به‌گونه‌ای شکل می‌گیرد که او تمامی پدیده‌ها را در قالب دو گانه ما-آنها می‌ریزد و این دوگانگی به صورت برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در کردار و رفتار سوژه‌ها نمایان می‌شود. ما برجسته شده و آنها به حاشیه رانده می‌شوند. بنابراین هویت‌یابی به واسطه غیریت‌سازی و غیریت‌ها به کمک برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی شکل می‌گیرند (تاجیک، ۱۳۷۸، ص ۲-۱۱۱). غیرها شرایط امکان ایجاد هویت را فراهم می‌آورد و هم آنها تهدید می‌کند و هم در معرض نابودی قرار می‌دهد. در واقع، فرایند حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی راه‌هایی برای حفظ و تداوم قدرت و سلطه است. بدین طریق قدرت هم معنای مورد نظر خود را تولید می‌کند و هم با بکارگیری ابزارهای مختلف دشمن و غیر را حذف و طرد می‌کند. به کمک همین سازوکار است که قدرت پس یک گفتمان با تاثیر گذاری بر ذهن سوژه‌ها اقدام به تولید اجماع و تعریف نشانه‌ها به شیوه‌ای خاص می‌کند و در واقع مدلول خاصی را به دال مرکزی گفتمانی نزدیک می‌کند و آنها هژمونیک می‌کند.

برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی دارای دو صورت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است. برجسته‌سازی‌ها و حاشیه‌رانی‌های نرم‌افزاری در قالب زبان و برجسته‌سازی‌ها و حاشیه‌رانی‌های سخت‌افزاری به صورت‌های مختلفی چون توقیف، حبس، اعدام، ترور، تظاهرات خیابانی و مانند آن نمود پیدا می‌کند. در واقع کل حوزه اجتماع و پدیده‌های

اجتماعی عرصه برجسته‌سازی‌ها و حاشیه‌رانی‌های میان گفتمان است. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی سازوکاری است که به واسطه آن گفتمان‌ها سعی می‌کنند نقاط قوت خود را برجسته سازند و نقاط ضعف خود را به حاشیه برانند و پنهان کنند. و برعکس نقاط قوت غیر یا دشمن را به حاشیه برانند و نقاط ضعف خود را برجسته سازند (تاجیک، ۱۳۷۸، ص ۱۱۳).

روش

در این پژوهش از روش‌های ترکیبی استفاده شد. در مرحله اول به‌منظور شناسایی شاخص‌های گفتمان‌سازی، با بهره‌گیری از روش مطالعه کتابخانه‌ای و رویکرد مبتنی بر شواهد، محورهای مهم استخراج شده و در قالب یک پرسشنامه اولیه، تدوین شده‌اند. رویکرد مبتنی بر شواهد عبارت است از استفاده موشکافانه، مدبرانه و صریح از بهترین شواهد جاری در ارزیابی یک پدیده و تصمیم‌گیری در مورد آن (جوردون^۱، ۲۰۰۲، ص ۲۲). در مرحله دوم با بهره‌گیری از رویکرد کمی مبتنی بر پیمایش، اطلاعات مورد نیاز از شهروندان جمع‌آوری شد. به‌منظور انتخاب نمونه، از نمونه‌گیری نسبتی و سپس نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است. حجم نمونه براساس فرمول کوکران، ۱۲۰۰ نفر در نظر گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش

میزان گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی از دید شهروندان: توزیع درصد فراوانی پاسخگویان، به میزان گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. توزیع درصد فراوانی پاسخگویان بر حسب ارزیابی آنان از میزان گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی

میزان گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی	فراوانی	درصد
خیلی کم	۴	۳
کم	۷۹	۶/۶
زیاد	۵۰۴	۴۲
خیلی زیاد	۶۱۳	۱/۵۱
جمع کل	۱۲۰۰	۱۰۰

بر اساس پاسخ‌های حاصل شده، ۳ درصد از پاسخگویان، میزان گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی را در حد خیلی کم، ۶/۶ درصد در حد کم، ۴۲ درصد در حد زیاد و ۱/۵۱ درصد در حد خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. این بدان معناست که امنیت برای شهروندان تهرانی به دغدغه‌ای ذهنی تبدیل شده است.

شاخص‌های گفتمان‌سازی

دغدغه ذهنی

جدول ۲. توزیع درصد فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان تبدیل شدن امنیت به دغدغه ذهنی افراد

دغدغه ذهنی امنیت	فراوانی	درصد
خیلی کم	۱	۱
کم	۳۷	۳/۱
زیاد	۳۲۱	۲۶/۸
خیلی زیاد	۸۴۱	۷۰/۱
جمع کل	۱۲۰۰	۱۰۰

میزان تبدیل شدن امنیت به دغدغه ذهنی در بین ۱ درصد از شهروندان تهرانی در حد خیلی کم، ۳/۱ درصد کم، ۲۶/۸ درصد زیاد و ۷۰/۱ درصد خیلی زیاد است. بنابراین

موضوع امنیت تا حد خیلی زیادی در بین شهروندان تهرانی به نوعی دغدغه ذهنی تبدیل شده است و از این حیث برای نیروی انتظامی مسئله مهمی تلقی می‌شود.

مشروعیت

جدول ۳ توزیع درصد فراوانی پاسخگویان بر حسب ارزیابی آنان از میزان مشروعیت نیروی انتظامی در موضوع امنیت

درصد	فراوانی	مشروعیت نیروی انتظامی در موضوع امنیت
۳	۳۶	خیلی کم
۱۳/۶	۱۶۳	کم
۳۷/۸	۴۵۳	زیاد
۴۶	۵۴۸	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۲۰۰	جمع کل

از نظر ۳ درصد از پاسخگویان، میزان مشروعیت نیروی انتظامی در موضوع امنیت در حد خیلی کم، ۱۳/۶ درصد کم، ۳۷/۸ درصد زیاد و ۴۶ درصد خیلی زیاد است. بنابراین بیشتر پاسخگویان مشروعیت نیروی انتظامی را در حد خیلی زیاد می‌دانند.

بازتولید امنیت اجتماعی توسط نیروی انتظامی

جدول ۴: توزیع درصد فراوانی پاسخگویان بر حسب ارزیابی آنان از میزان بازتولید امنیت توسط نیروی انتظامی

درصد	فراوانی	بازتولید امنیت توسط نیروی انتظامی
۸/۱	۲۱	خیلی کم
۱۴	۱۶۸	کم
۳۸/۵	۴۶۲	زیاد
۴۵/۸	۵۴۹	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۲۰۰	جمع کل

از نظر ۸/۱ درصد از پاسخگویان، میزان بازتولید امنیت توسط نیروی انتظامی در حد کم، ۱۴ درصد کم، ۳۸/۵ درصد زیاد و ۴۵/۸ درصد خیلی زیاد است. بنابراین بیشتر پاسخگویان بازتولید امنیت را توسط نیروی انتظامی، در حد خیلی زیاد می‌دانند.

فراگیر کردن گفتمان امنیت اجتماعی

جدول ۵. توزیع درصد فراوانی پاسخگویان برحسب ارزیابی آنان از فراگیر کردن گفتمان امنیت

توسط نیروی انتظامی

درصد	فراوانی	فراگیر کردن گفتمان امنیت توسط نیروی انتظامی
۱	۱	اصلاً
۳/۳	۳۹	خیلی کم
۱۸/۷	۲۲۴	کم
۴۲/۷	۵۱۲	زیاد
۳۵/۳	۴۲۴	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۲۰۰	جمع کل

۱ درصد از پاسخگویان معتقدند که گفتمان امنیت توسط نیروی انتظامی اصلاً فراگیر نشده است. از نظر ۳/۳ درصد از پاسخگویان، میزان فراگیر کردن گفتمان امنیت اجتماعی توسط نیروی انتظامی در حد خیلی کم، ۱۸/۷ درصد کم، ۴۲/۷ درصد زیاد و ۳۵/۳ درصد خیلی زیاد است. بنابراین بیشتر پاسخگویان فراگیر کردن گفتمان امنیت را توسط نیروی انتظامی در حد زیاد می‌دانند.

بازتولید مفاهیم جدید

جدول ۶. توزیع درصد فراوانی پاسخگویان برحسب ارزیابی آنان از بازتولید مفاهیم

جدید توسط نیروی انتظامی

درصد	فراوانی	بازتولید مفاهیم جدید توسط نیروی انتظامی
۹	۱۱	خیلی کم
۱۶/۹	۲۰۳	کم

۴۷/۸	۵۷۳	زیاد
۳۴/۴	۴۱۳	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۲۰۰	جمع کل

از نظر ۹ درصد از پاسخگویان، میزان بازتولید مفاهیم جدید توسط نیروی انتظامی در حد خیلی کم، ۱۶/۹ درصد کم، ۴۷/۸ درصد زیاد و ۳۴/۴ درصد خیلی زیاد است. بنابراین بیشتر پاسخگویان بازتولید مفاهیم جدید را در حد زیاد می‌دانند.

میزان بهره‌برداری نیروی انتظامی از نخبگان

جدول ۷. توزیع درصد فراوانی پاسخگویان برحسب ارزیابی آنان از میزان بهره‌برداری نیروی انتظامی از نخبگان

درصد	فراوانی	بهره‌برداری نیروی انتظامی از نخبگان
۳	۳	اصلاً
۴/۳۰	۵۲	خیلی کم
۲۳/۸	۲۸۶	کم
۴۲/۴	۵۰۹	زیاد
۲۹/۲	۳۵۰	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۲۰۰	جمع کل

۳ درصد از پاسخگویان معتقدند که نیروی انتظامی به هیچ وجه از نخبگان بهره‌برداری نکرده است. از نظر ۴/۳۰ درصد از پاسخگویان، میزان بهره‌برداری نیروی انتظامی از نخبگان در حد خیلی کم، ۲۳/۸ درصد کم، ۴۲/۴ درصد زیاد و ۲۹/۲ درصد خیلی زیاد است. بنابراین بیشتر پاسخگویان بهره‌برداری نیروی انتظامی را از نخبگان، در حد زیاد می‌دانند.

میزان ساختارسازی نیروی انتظامی

جدول ۸. توزیع درصد فراوانی پاسخگویان بر حسب نظرات آنان پیرامون موفقیت نیروی

انتظامی در ساختارسازی

درصد	فراوانی	موفقیت نیروی انتظامی در ساختارسازی
۱۹/۳	۲۳۱	خیلی کم
۳۰/۳	۳۶۳	متوسط
۲۷	۳۲۴	زیاد
۲۳/۵	۲۸۲	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۲۰۰	جمع کل

براساس پاسخ‌های حاصل شده از پاسخگویان می‌توان گفت که میزان موفقیت نیروی انتظامی در ساختارسازی جدید، ۱۹/۳ درصد در حد خیلی کم، ۳۰/۳ درصد متوسط، ۲۷ درصد زیاد و ۲۳/۵ درصد خیلی زیاد است. در جدول ۹، پاسخ‌های شهروندان به هریک از گویه‌های ساختارسازی گزارش شده است:

جدول ۹. توزیع فراوانی نظرات پاسخگویان به گویه‌های میزان موفقیت نیروی انتظامی در

ساختارسازی

پاسخ اشتباه	پاسخ صحیح	گویه
۱/۱	۹۸/۹	۱۱۰
۱/۱۷	۸۲/۹	پلیس + ۱۰
۳۶/۱	۶۳/۹	مرکز تعویض پلاک
۴۱/۱	۵۸/۹	مرکز نظام وظیفه
۵۱/۵	۴۸/۵	مرکز خدماتی انتظام
۵۴/۳	۴۵/۸	۱۹۷
۶۱/۷	۳۸/۳	دفتر نظارت همگانی

براساس جدول ۹، بیشترین شناخت شهروندان از ساختارهای مرتبط با نیروی انتظامی، مربوط به پلیس ۱۱۰ است که ۹۸/۹ درصد از شهروندان تهرانی، با این ساختار آشنایی

دارند. کمترین میزان آشنایی مربوط به دفتر نظارت همگانی است که ۳/۳۸ درصد از شهروندان تهرانی با آن آشنایی دارند.

جدول زیر نیز توزیع نظرات شهروندان به گویه‌های گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی را نشان می‌دهد:

جدول ۱۰. توزیع فراوانی نظرات پاسخگویان به گویه‌های گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی

اصلاً	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد	گویه
۴/۰	۸/۱	۷/۴	۲۴/۳	۶۸/۹	تا چه اندازه در زندگی و فعالیت روزمره خود به موضوع امنیت فکر می‌کنید؟
۰/۲	۲/۱۰	۶/۷	۲۷/۸	۶۴/۲	تا چه اندازه تلاش می‌کنید که با رعایت برخی از امور، احساس امنیت خود را افزایش دهید؟
۱/۰	۱/۳	۷/۷	۲۸/۵	۶۲/۴	تا چه اندازه نسبت به قبل، به رفتارهایی دست می‌زنید تا بتواند امنیت بیشتری را برای شما به ارمغان بیاورد (به‌عنوان مثال قفل کردن درب ورودی آپارتمان هنگام خواب، و...)
۱/۳	۵/۲	۱۵/۵	۳۶/۸	۴۱/۲	تا چه اندازه اخبار مربوط به جرایم و رفتارهای مجرمانه را پیگیری می‌کنید و علاقه-مند هستید که در مورد آنها اطلاعات کسب کنید؟
۱/۷	۷/۶	۲۱/۵	۳۹/۱	۳۰/۲	تا چه اندازه شهروندان در خصوص موضوع امنیت، به بحث و گفتگو با یکدیگر می‌پردازند؟
۱/۱	۷/۸	۲۲/۹	۳۹/۱	۲۹/۱	به نظر شما مردم جامعه تا چه حد حاضرند با نیروهای انتظامی در امور مختلف مشارکت کنند؟
۰/۸	۵/۳	۲۲/۸	۴۰/۶	۳۰/۴	به نظر شما مردم تا چه اندازه نیروی انتظامی را به‌عنوان نیروی مقتدر قبول دارند؟
۱/۳	۵/۶	۲۲/۶	۳۷/۸	۳۲/۸	به نظر شما جایگاه و منزلت نیروی انتظامی در نزد مردم چقدر است؟
۰/۶	۶/۵	۲۱/۴	۳۸/۷	۳۲/۸	با توجه به شرایط کلی جامعه و عملکرد نیروی انتظامی، تا چه حد می‌توان به پلیس اعتماد کرد؟
۱/۴	۴/۹	۲۲/۶	۴۰/۸	۳۰/۳	تا چه اندازه برنامه‌های پلیس در رسانه‌ها توانسته است بر رفتارهای شما تاثیر جدی بگذارد؟
۰/۵	۵/۷	۲۱/۸	۴۲	۳۰/۱	تا چه اندازه فکر می‌کنید مردم نسبت به سال‌های قبل، بیشتر به موضوع امنیت اجتماعی فکر می‌کنند و یا در مورد آن اظهار نظر می‌کنند؟

اصلاً	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد	گویه
۰/۹	۶/۹	۲۱/۸	۳۵/۷	۳۴/۷	تا چه اندازه حاضرید در صورت وقوع جرم در محیط اطراف شما، آن را به پلیس گزارش دهید و یا درخصوص شناسایی مجرمین با پلیس همکاری کنید؟
۰/۹	۶/۹	۲۸/۲	۳۷/۷	۲۶/۳	تا چه اندازه احساس می‌کنید اخبار مربوط به فعالیت‌های نیروی انتظامی به‌خوبی به مردم گزارش داده می‌شود؟
۰/۶	۵/۶	۲۵	۴۲/۱	۲۶/۸	تا چه اندازه انعکاس اخبار و ماموریت‌های نیروی انتظامی در رسانه‌ها در سال‌های اخیر، نسبت به قبل، رو به رشد بوده است؟
۰/۶	۶/۹	۲۸/۶	۳۳/۹	۲۴	تا چه اندازه فکر می‌کنید تولید و نمایش فیلم‌های پلیسی ایرانی نسبت به سال‌های قبل افزایش داشته است؟
۱/۳	۷/۷	۲۶/۸	۴۰/۷	۲۳/۶	تا چه اندازه ساخت فیلم و سریال‌های پلیسی را موفق ارزیابی می‌کنید؟
۱/۴	۶/۳	۳۰/۲	۳۸/۸	۲۳/۳	تا چه اندازه نیروی انتظامی توانسته است مردم را با جرایم جدید مانند کلاهبرداری‌های اینترنتی، سرقت‌های اینترنتی و... آشنا کند؟
۰/۳	۸/۲	۲۹/۶	۳۹/۴	۲۲/۵	تا چه اندازه نیروی انتظامی توانسته است آسیب‌های فضای مجازی و جرایم اینترنتی را به مردم گوشزد کند تا در دام خرافکاران نیفتند؟
۰/۳	۲/۱۰	۲۰/۸	۵۱/۳	۲۵/۶	تا چه اندازه پلیس در مورد جرایم جدید مثل کلاهبرداری‌های اینترنتی، سرقت اطلاعات شخصی از طریق هک کردن و...، توانسته است مردم را آگاه کند و به آنان اطلاعات لازم را ارائه دهد؟
۰/۷	۹/۸	۲۹/۸	۳۶/۶	۲۳/۳	تا چه اندازه فکر می‌کنید که نیروی انتظامی در طراحی برنامه‌های خود از نخبگان دانشگاهی و اساتید متخصص استفاده می‌کند؟
۱/۸	۹/۹	۲۲/۴	۳۷/۷	۲۸/۳	تا چه اندازه نیروی انتظامی با نخبگان دانشگاهی و علمی کشور ارتباط منظم داشته تا بتواند کارها را بهتر از قبل پیش ببرد؟

گام‌های اساسی در گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی

شهروندان تهرانی درخصوص گام‌های گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی، اولویت‌های متفاوتی را مشخص کرده‌اند که نتایج آن در جدول ۱۰ گزارش شده است،

جدول ۱۰. گام‌های گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی از دید شهروندان

میانگین رتبه	گام‌های گفتمان‌سازی
۴/۶۴	۱. تبیین مفاهیم و مبانی پایه
۳/۷۸	۲. باز تولید امنیت
۳/۵	۳. باز تولید مفاهیم متناسب با نیازهای روز
۳/۳۴	۴. عمومی و فراگیر کردن گفتمان
۳/۰۶	۵. بهره‌برداری از توان‌نخبگان نظامی و دانشگاهی در حوزه فعالیت‌های نیروی انتظامی
۲/۶۹	۶. نهادسازی و ساختارسازی

بر اساس جدول ۱۰، گام اول گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی که تبیین مفاهیم و مبانی پایه است، توسط شهروندان به‌عنوان اولویت اول معرفی شده است که از این حیث، می‌توان نگاه شهروندان تهرانی را نسبت به این مهم، مساعد ارزیابی کرد و افراد نگاهی منطبق بر واقعیت‌های علمی دارند، زیرا پیش‌نیاز هرگونه اقدام و حرکتی در زمینه گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی، تبیین مفاهیم پایه این حوزه است. با این حال و برخلاف نظر اول شهروندان، ساختارسازی و نهادسازی به‌عنوان اولویت آخر شهروندان معرفی شده است که این اولویت‌گذاری محل بحث و بررسی است. گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی بدون ساختارسازی، امری ناقص و ناتمام است و نمی‌توان انتظار داشت که بدون ساختارسازی و معرفی آن به جامعه، در مسیر گفتمان امنیت اجتماعی حرکت کنیم.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، بخش قابل توجهی از شهروندان با ساختارهای مرتبط با نیروی انتظامی آشنایی ندارند و این موضوع، مانع از مشارکت آنان در فعالیت‌ها و مأموریت‌های نیروی انتظامی خواهد شد. از سوی دیگر، نشناختن ساختارها، پیوند و تعامل بین شهروندان و نیروی انتظامی را ضعیف خواهد کرد و این پیوند ضعیف به نهادینه‌سازی گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی آسیب خواهد زد. به‌عنوان مثال، ساختاری با عنوان پلیس ۱۱۰ که حدود ۹۹ درصد شهروندان تهرانی با آن آشنایی دارند، از جمله

ساختارهایی است که ارتباط شهروندان با آن در حد زیادی است و بخش اعظم این ارتباط به دلیل شناخت و آشنایی با وظایف و ماموریت‌های خاص آن است. از سوی دیگر، ساختاری مانند دفتر نظارت همگانی که با شماره تلفن ۱۹۷ نیز شناخته می‌شود، فقط برای ۳/۳۸ درصد از شهروندان، شناخته شده است و به همین دلیل در بهترین شرایط می‌توان انتظار داشت که رفتارهای نظارتی شهروندان بر واحدهای مختلف نیروی انتظامی، فقط در سطح یک سوم ظرفیت‌های موجود باقی بماند. همچنین مرکز خدماتی انتظام که در راستای بهبود امنیت محله‌ها اقدامات مفیدی انجام داده است، تنها برای ۵/۴۸ درصد از شهروندان شناخته شده است و این نشان می‌دهد که نیروی انتظامی باید در کنار ساختارسازی به‌منظور بهبود امور، به شناسایی و معرفی این ساختارها نیز اقدام کند. به بیان دیگر، زمینه‌سازی و آماده‌سازی ذهنیت شهروندان برای پذیرش ساختار جدید و معرفی صحیح آن به کلیه شهروندان، امری ضروری است که موجب خواهد شد پیوند و تعامل بین شهروندان و ساختارهای نوظهور به‌خوبی برقرار شود و این تعامل به بهبود امنیت اجتماعی کمک کند.

بازتولید امنیت اجتماعی به‌عنوان دومین گام در گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی معرفی شده است که لازمه آن انعکاس فعالیت‌ها و ماموریت‌های نیروی انتظامی و موفقیت‌های حاصل شده از طریق رسانه‌های جمعی است که به این طریق احساس امنیت اجتماعی نیز تقویت می‌شود. این گام، به لحاظ اهمیت در سطح بالایی قرار دارد و لازم است روابط برون‌سازمانی نیروی انتظامی گسترده شود تا فعالیت‌های سازمانی آن، انعکاس بیشتری پیدا کند.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج پژوهش، مهمترین راهبردهای گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی به صورت زیر است:

جلب مشارکت اجتماعی مردم در فعالیت‌ها و ماموریت‌های نیروی انتظامی: جلب مشارکت‌های مردمی باعث پیوند و تعامل نیروی انتظامی و شهروندان می‌شود و امنیت به نقطه مشترکی بین این دو گروه تبدیل خواهد شد. رویکرد جذب مشارکت-های مردمی در سال‌های اخیر از سوی نیروی انتظامی دنبال شده است و با ورود هرچه بیشتر سازمان‌های مردم‌نهاد و شهروندان در فعالیت‌ها و ماموریت‌های نیروی انتظامی، این مهم بیش از پیش عملیاتی خواهد شد.

بسط دانش تخصصی امنیت اجتماعی در سطح جامعه: تبیین مفهوم امنیت در فضای دانشگاهی و علمی جامعه و سرایت این گونه مباحث به لایه‌های زیرین جامعه موجب افزایش دانش تخصصی امنیت خواهد شد و امنیت به دغدغه‌ای ذهنی تبدیل می‌شود. نقد مباحث موجود پیرامون موضوع امنیت و سنجش این موضوع در ابعاد ذهنی و عینی در سطح استان‌های کشور، دانشی غنی پیرامون موضوع امنیت ایجاد می‌کند که می‌تواند زمینه‌ساز رسوب امنیت در سطوح مختلف جامعه شود. در این زمینه دانشگاه علوم انتظامی امین می‌تواند نقش فعالی را بر عهده بگیرد و از طریق تولید ادبیات در زمینه امنیت اجتماعی و انتشار آن در قالب کتاب، مجله و نشریه به ترویج دانش امنیت در سطح جامعه کمک کند و از طریق نقد قرارداد این ادبیات، زمینه پیوند بین صاحب‌نظران و دانشگاه را فراهم کند. تعامل نزدیک دانشگاه علوم انتظامی امین با صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه امنیت می‌تواند منجر به رسوخ امنیت در جزئی‌ترین لایه‌های اجتماع شود و این نفوذ، زمینه گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی را مهیا کند.

ایجاد فضای تبادل اندیشه و اطلاعات بین نخبگان و نیروی انتظامی در حوزه امنیت اجتماعی: برقراری ارتباط بین نیروی انتظامی و نخبگان می‌تواند به مشروعیت هرچه بیشتر برنامه‌ها و فعالیت‌های نیروی انتظامی بیافزاید و از سوی دیگر در این فرایند، نیروی انتظامی می‌تواند از توان علمی نخبگان به‌منظور طراحی برنامه‌های در

دست اجرا کمک بگیرد و از سوی دیگر، از نخبگان به عنوان یک رسانه به منظور ترویج ادبیات موضوع امنیت استفاده کند و مشارکت‌های مردمی را به سوی خود جلب کند. نخبگان همواره به عنوان نیروی پیشرو در نظر گرفته می‌شوند که می‌توانند نوآوری و خلاقیت را به بدنه جامعه تزریق کنند و با گام برداشتن در راه‌های جدید، زمینه همراهی مردم را نیز فراهم کنند. از این حیث تکیه بر نیروی نخبگان در گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی بسیار مهم است و بدون بهره‌برداری از این نیروی اجتماعی، گفتمان‌سازی با شکست مواجه خواهد شد، زیرا گفتمان‌سازی مسئله‌ای اقناعی است و در این زمینه نخبگان از توان بالایی برای اقناع مردم برخوردار هستند.

حفظ امنیت اجتماعی به منظور جلب نظر مردم و همکاری آنان: تلاش به منظور حفظ امنیت اجتماعی و حصول شرایطی که در آن آرامش و امنیت خاطر حکم فرما باشد، در حکم نوعی مشوق برای مردم به منظور بازتولید شرایط امن از طریق مشارکت در امور مربوط به نیروی انتظامی است. امنیت، برای مردم همچون نعمتی در نظر گرفته می‌شود که باید از آن به طور پیوسته مراقبت کرد و این مراقبت به تنهایی و از طریق نیروی انتظامی میسر نیست. نیروی انتظامی با حفظ امنیت، شرایطی را برای افراد رقم می‌زند که مطلوب آنان است و با توسعه نگرش‌های برون‌سازمانی، مردم را نیز در این فرایند دخیل کرده و امنیت را برای آنان به ملکه ذهن تبدیل می‌کند.

هم‌افزایی ساختارهای مرتبط با تولید امنیت اجتماعی (دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد): بهبود امنیت اجتماعی نیازمند همکاری بین بخشی با تکیه بر تعامل سازمانی است. سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و رهنمودهای مقام معظم رهبری به عنوان اسناد بالادستی هستند که چارچوب کلی همکاری مشترک نیروی انتظامی با قوای سه‌گانه و سایر دستگاه‌های حوزه امنیت اجتماعی را مشخص می‌سازند. در قانون نیروی انتظامی و سند چشم‌انداز بر تعامل و همکاری بین دستگاه‌ها برای تامین امنیت تاکید شده است و مقام معظم رهبری نیز در بیانات متعدد خود، بر لزوم این همکاری‌ها تاکید فراوان دارند.

بنابراین هم‌افزایی بین دستگاه‌ها نیازمند پیش‌نیازهایی است که در بعد قانونی و سیاستی با کمبودی مواجه نیست و از پشتوانه محکمی برخوردار است و برای اجرا و عملیاتی شدن، می‌توان از دستورالعمل‌های سازمانی و بین‌سازمانی استفاده کرد. همچنان که نیروی انتظامی در طرح‌های مشترک خود با وزارت آموزش و پرورش بسیار موفق عمل کرده است و موفقیت نیروی انتظامی در این طرح می‌تواند زمینه مشارکت بیشتر سازمان‌ها و نهادهای درگیر در مسئله امنیت شود.

بهره‌گیری از قدرت رسانه‌ها به منظور افزایش هم‌افزایی و اقناع مردم:
بهره‌گیری ناصحیح دستگاه انتظامی از ظرفیت رسانه‌ها از یک‌سو و حضور غیرفنی و غیرتخصصی رسانه‌ها در حوزه‌های انتظامی و امنیتی، با توجه به برخی محدودیت‌ها از سوی دیگر، موجب ایجاد شکافی جدی میان «امنیت» و «احساس امنیت» در جامعه خواهد شد. رسانه می‌تواند با انعکاس دقیق، مستند و بدون تناقض آمارها و اقدامات انتظامی، خیال مردم را از جهت حضور مقتدرانه پلیس و تامین امنیت، آسوده کند و این امر مستلزم همکاری بیشتر پلیس با رسانه‌هاست. به بیان دیگر، لازم است اندکی درها به روی خبرنگاران و اهالی رسانه بازتر شود تا تلاش‌ها و زحمات پلیس، به شکلی شفاف‌تر و واقعی‌تر از زبان رسانه، نه پلیس، به جامعه منعکس شود؛ زیرا نباید فراموش کنیم که دوران نشاندن مردم پای جعبه جادو رو به اتمام است و دیگر حامیان سریال‌ها و نمایش چند صحنه جذاب پلیسی، نمی‌توانند دیدگاه مردم را درباره پلیس، تنظیم کند. در حال حاضر، هجوم هشتک‌ها و نرم‌افزارهای پیام‌رسان، جریان اطلاعات را تغییر داده‌اند و اینجاست که پلیس در تعاملی منطقی با رسانه‌ها می‌تواند از چنین ظرفیت‌هایی برای بازتاب خدمات و تلاش‌های خود بهره بگیرد. رسانه‌ها نیز باید با بهره‌گیری از نظرات صاحب‌نظران امور انتظامی، ترویج آگاهی‌های عمومی و تلاش برای پیشگیری از انتشار شایعات، موجب شوند که مردم در حوزه ارتکاب جرم قرار نگیرند یا اگر اتفاقی رخ داده، آسیب کمتری متوجه آنان شود و جنبه هشداردهی برای افراد مستعد

ارتکاب جرم داشته باشند، که تحقق این امر نیازمند آن است که رسانه‌ها از رویکرد «جذب مخاطب به هر قیمتی»، فاصله بگیرند و علمی‌تر به موضوع امنیت بپردازند. در چنین فضایی، صفحه‌های حوادث روزنامه‌ها، خبرگزاری‌ها و وبگاه‌ها، دیگر حاوی تنها مطالب به اصطلاح زرد نخواهند بود و رویکرد آگاهی‌بخشی در مطالب پررنگ‌تر خواهد شد؛ این موضوع به همگرایی پلیس و رسانه و درنهایت مردمی شدن امنیت پایدار که هدف والای نیروی انتظامی در سال‌های اخیر بوده است، کمک می‌کند.

افزایش سرمایه اجتماعی پلیس: سرمایه اجتماعی برای پلیس به‌عنوان ظرفیت و قابلیت مشارکت مردم در توسعه نظم و امنیت عمومی از سال‌ها پیش تاکنون، توجه نظریه‌پردازان علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است و نیروی انتظامی تلاش کرده است تا به اعتمادسازی دست بزند و مسیر اعتمادسازی خود را با روند جامعه‌پذیری اعضای جامعه هماهنگ و سازگار کند. اگر مردم درک کنند و ببینند که پلیس با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه‌شان هم‌نواست، آنگاه اعتماد و اطمینان آنها به پلیس بیشتر و هم‌نوایی‌شان با جامعه افزایش خواهد یافت. همچنین اگر نهادهای آموزشی (مثل مدارس و دانشگاه‌ها) و انتظامی با آموزش و تقویت اعتماد اجتماعی در بین خانواده‌ها و افراد جامعه گام بردارند و صداوسیما با تولید و پخش برنامه‌های مختلف برای فرهنگ‌سازی در بین مردم برای کمک و همیاری به دیگران و تقویت اعتماد و انسجام اجتماعی نقش ایفا کند، آنگاه شاهد کاهش جرایم و تحقق امنیت اجتماعی خواهیم بود و این اقدامات در حکم روندی است که نیروی پلیس را با مردم پیوند می‌دهد و برای نیروی انتظامی سرمایه اجتماعی مهیا می‌کند.

چنانچه سرمایه اجتماعی را با مولفه‌های مهمی همچون اعتماد عمومی، آگاهی و آمادگی برای مشارکت تعریف کنیم، بی‌درنگ اذعان خواهیم کرد که پلیس بیش از هر سازمان دیگری، نیازمند سرمایه اجتماعی است. زیرا بسیاری از پدیده‌هایی که پلیس

به مداخله در آنها می‌پردازد، ماهیت اجتماعی دارند و بدون همکاری، همراهی و همگامی یکایک شهروندان جامعه، مداخله پلیس در آن پدیده‌ها کمتر موفقیت حداکثری را نصیب او، و البته نصیب کل جامعه، خواهد کرد. همچنین دیرزمانی است که ثابت شده است که هیچ پدیده کجروانه اجتماعی از میان برنمی‌خیزد، مگر آنکه جامعه فشار هنجاری خود را معطوف آن سازد. ناگفته پیداست که جامعه تنها زمانی در برابر پدیده‌های کجروانه و انحرافی چنین رویکردی را پیش روی خود قرار خواهد داد که از یک‌سو از ماهیت این پدیده‌ها و نیز از حیطه‌های پرشمار کنش‌وری پلیس خود آگاه شود و از دیگر سو به پلیس در تقابل با پدیده‌های هنجارشکنانه و قانون‌گریزانه اعتماد کامل بورزد.

منابع

- آشوری، داریوش. (۱۳۶۸). نظریه غربزدگی و بحران تفکر در ایران. ایران‌نامه. ۷(۲)، صص ۴۵۴-۴۶۰.
- آشوری، داریوش. (۱۳۸۴). فرهنگ علوم انسانی. تهران: نشر مرکز.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۹۲). امنیت اجتماعی شده؛ رویکردهای اسلامی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۹). جامعه‌ای امن در گفتمان خاتمی. تهران: نشر نی.
- تاجیک، محمدرضا و روزخوش، محمد. (۱۳۸۷). بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران از منظر تحلیل گفتمان. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. ۱۶(۶۱)، صص ۸۳-۱۲۸.
- تاجیک، محمدرضا و همکاران. (۱۳۷۹). گفتمان، تحلیل گفتمان. مجموعه مقالات. نشر فرهنگ گفتمان.
- جهانگیری، جهانگیر و فتاحی، سجاد. (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری دور دهم. مجله مطالعات اجتماعی ایران. ۵(۳). صص ۲۳-۴۷.

- حسینی زاده، سیدمحمدعلی. (۱۳۸۶). اسلام سیاسی در ایران. قم: دانشگاه مفید.
- حسینی زاده، محمدعلی. (۱۳۸۳). نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی. نامه علوم سیاسی. (۲۸)، صص ۱۸۱-۲۱۲.
- حسینی میلانی، ندا. (۱۳۸۲). تحلیل گفتمان نشریات دانشجویی پیرامون غرب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- دانش آشتیانی، محمدباقر. (۱۳۹۰). الگویی برای مدیریت راهبرد دفاعی - امنیتی. فصلنامه ره‌نامه سیاستگذاری. ۳(۲)، صص ۱۱۳-۱۶۳.
- سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان. تهران: نشر نی.
- سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۳). تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش. نامه علوم سیاسی. (۲۸)، صص ۱۵۳-۱۸۰.
- سلیمی، اصغر. (۱۳۸۳). گفتمان در اندیشه فوکو. کیهان فرهنگی. (۲۱۹)، صص ۵۰-۵۵.
- عضدانلو، حمید. (۱۳۸۰). گفتمان و جامعه. تهران: نشر نی.
- عطارزاده، مجتبی. (۱۳۷۷). تأثیر رویکرد جدید مفهوم امنیت بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. مجله مطالعات راهبردی. پیش شماره دوم. صص ۸۴-۱۱۶.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. (ترجمه جمعی از مترجمان). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- Gee, James Paul. (1999). An Introduction to Discourse Analysis: Theory and Method. London: Routledge.
- Jorgensen, M., and Philips, L. (2002). discourse analysis as theory and method, London: sage publication.
- Laclau, E & Mouffe, C. (1985). Hegemony and Socialist Strategy: Toward a Radical Democratic Politics, London: Verso.
- Mintzberg, Henry. (1991). The strategic Process. Prentice Hall.